



برخی شرکت‌های اسلحه سازی مانند «لود استار» و «آی گان» با اتخاذ روشی هوشمندانه علاوه بر عرضه محصولات خود در بازار جهت رفع تقاضای افرادی که نگران ایمنی سلاح خود هستند، توانسته‌اند برای خود یک بازار دیگر بین نیروهای انتظامی پیدا کنند و محصولات خود را به آنها نیز بفروشند.

■ حوادث ناگوار

در سال ۲۰۱۵ در ایالات متحده ۴۸۹ نفر بر اثر تیراندازی غیرعمد کشته شده‌اند. ناگفته نماند که سال ۲۰۱۵ آخرین سالی است که چنین آماری برای آن موجود است. همچنین آمار مرکز کنترل و پیشگیری بیماری نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۹، این میزان ۸۲۴ نفر بود. با احتساب عامل افزایش جمعیت، مشاهده می‌کنیم که میزان مرگ و میر ناشی از تیراندازی غیرعمد در طول این ۱۶ سال، ۴۸ درصد کاهش داشته است.

طبق مصوبات قانونی در برخی ایالات آمریکا، چنانچه شخصی سلاح خود را در حالی که قفل نشده یا پُر است در اطراف کودکان رها کند، با مجازات‌های مدنی و کیفری مواجه خواهد شد. برای مثال قانون موجود در شهر کوچک «لی» در ایالت ماساچوست، دارندگان سلاح را ملزم می‌کند موقع عدم استفاده از سلاح و در قفسه یا کشو گذاشتن آن، سلاح را حتماً قفل کنند. هر چه تعداد ایالت‌هایی که این نوع قوانین را اتخاذ می‌کنند بیشتر می‌شود، به همان نسبت نیز بازار فروش قطعات حفاظتی سلاح (مانند قفل سلاح) افزایش می‌یابد.

برخی شرکت‌های اسلحه سازی مانند «لود استار» و «آی گان» با اتخاذ روشی هوشمندانه علاوه بر عرضه محصولات خود در بازار جهت رفع تقاضای افرادی که نگران ایمنی سلاح خود هستند، توانسته‌اند برای خود یک بازار دیگر بین نیروهای انتظامی پیدا کنند و محصولات خود را به آنها نیز بفروشند.

یکی از مواردی که موجب نارضایتی شدید مالکان سلاح و سازمان‌های مدافع داشتن حق سلاح می‌شود، عدم قدردانی در خور از آنها بابت تلاش و کوشش ایشان در خصوص ترویج مقوله ایمنی سلاح است. برای نمونه یکی از همین شرکت‌های حامی حق سلاح به نام «بنیاد ورزش‌های تیراندازی» جهت ترویج ایمنی سلاح، یک طرح ملی را با عنوان «پروژه فرزند ایمن» به اجرا گذاشت که طی آن ۳۷ میلیون بسته ابزار ایمنی (که ابزار قفل سلاح نیز جزو آن بود) را در سراسر آمریکا بین مردم توزیع کرد. در یک مورد جالب دیگر، کنگره ایالت فلوریدا قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن متخصصان اطفال از گفت‌وگو درباره سلاح با بیماران خردسال خود منع می‌شدند. این قانون که مورد حمایت انجمن ملی سلاح نیز قرار گرفته بود، واکنش تندی را از سوی گروهی از پزشکان و جوامع درمانی به همراه داشت. این گروه نهایتاً در خصوص قانون مزبور، ایالت فلوریدا را در دادگاه قضایی مورد پیگرد قانونی قرار داد.

■ خودکشی

شاید ندانید که حدود دوسوم قتل‌هایی که با اسلحه صورت می‌گیرند در واقع قتل نفس یا خودکشی هستند. جالب است بدانید که طبق آمار نه چندان جدید، تعداد متوفیان حوادث مسلحانه با تعداد کشته‌های حوادث جاده‌ای در ایالات متحده برابر است. دو دلیل بر این امر وجود دارد: اولی، کاهش میزان تلفات جاده‌ای آمریکا از سال ۱۹۵۰ و دوم، افزایش میزان خودکشی در بین مردم آمریکا. طبق نوشته لورا اینگراهام (که یک مفسر سیاسی محافظه‌کار است)، میزان قتل نفس و قتل غیر، در سه سال اخیر همواره در حال افزایش بوده است. از این رو به نظر می‌رسد در حال حاضر تعداد متوفیان خودکشی از میزان تلفات جاده‌ای هم بیشتر باشد. پدیده خودکشی یک مقوله از جنس بیماری‌های ذهنی زودگذر است. به این معنی که اندیشه دست زدن به چنین کاری ممکن است به دلایل گوناگون یک‌باره و به شکل قوی در ذهن شخص شکل بگیرد و پس از مدت زمان کوتاهی نیز فروکش کند. بدترین حالت در این بازه زمانی که شخص مستعد آسیب رساندن به خود بوده و فاقد کنترل بر اعصاب خویش است، وجود یک ابزار کشنده مانند سلاح در اطراف یا در دسترس اوست. در صورت عدم دسترسی به سلاح ممکن است شخص پس از مدت کوتاهی کلنجار رفتن با خود، از این اقدام منصرف شود اما در صورت قابل دسترس بودن سلاح برای آن شخص در آن بازه زمانی سرنوشت‌ساز، اقدام به انصراف او چندان محتمل نیست. از این رو می‌توان با قاطعیت گفت که نرخ خودکشی ارتباط مستقیمی با نرخ مالکیت سلاح دارد، زیرا شخص صاحب سلاح، همواره قابلیت دسترسی به یک ابزار کشنده در هر زمانی را دارد.

بررسی و تحقیق در خصوص رابطه اقدام به خودکشی و در دسترس بودن سلاح و همچنین توجه به آمار رو به رشد خودکشی، اموری متأخر هستند و پیش از این، تا به این حد مورد بحث و گفت‌وگو قرار نمی‌گرفتند.

1- NRA: National Rifle Association

حال ایده صاحب سلاح بودن یک شهروند قانون‌مدار که از اسلحه فقط برای دفاع خود و خویشانش در برابر افراد شرور استفاده می‌کند، می‌تواند یک استراتژی تبلیغی عالی برای افزایش فروش سلاح باشد، زیرا تمرکز روش‌های تبلیغاتی، بیان حقایق تلخ نیست بلکه جذب مشتری با ایجاد تصورات رؤیگونه است و چه تصور خام‌کننده‌ای بهتر از شهروند رشید و قهرمانی که یک تنه با تفنگی که در دست دارد در برابر آدم‌بدها می‌ایستد و جان بسیاری را نجات می‌دهد؟! این دیگر انسان نیست، اسطوره است!

■ خشونت خانگی

بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ در بیش از دو سوم مواردی که یکی از زوجین، زوج دیگر یا زوج سابق خود را به قتل رسانده، از اسلحه استفاده شده است. در حال حاضر ترجیح می‌دهم درباره این مقوله بحث نکنم چون به نظرم باید ابتدا و در چند ماه آینده، تحقیقاتی در خصوص شرکت‌هایی که در زمینه استفاده سلاح در خشونت خانگی صاحب نظر هستند، انجام بدهم.

در گذشته قوانینی توسط ایالات متحده علیه افرادی که سابقه محکومیت به یک جرم شدید خشونت خانگی را داشته باشند، وضع شده بود. این قوانین که مورد حمایت طرفداران کنترل سلاح هم قرار گرفته‌اند، سختگیری‌های بیشتری را بر افراد دارای چنین سوابقی اعمال می‌کنند. طبق این قوانین، افراد مذکور در مقایسه با دیگران، با محدودیت‌های بیشتری در خرید و مالکیت سلاح مواجه خواهند بود.

هرچند ممکن است آگاهی‌ام محدود باشد اما نظر شخصی من این است که شرکت‌های خصوصی در زمینه ارائه شیوه‌های حفاظتی برای زنان (یا مردان)، یا حداقل ارائه راهکار می‌تواند به احساس ایمنی بیشتر آنها در برابر همسر یا شوهرشان منجر شود، راهکارهای درخور و ارزنده‌ای ارائه نداده‌اند، البته این سوای باشگاه‌های تیراندازی و کسب و کارهای مرتبط با آن است که سلاح را به عنوان یک ابزار عامل افزایش قدرت زنان تبلیغ می‌کنند. فروش سلاح به زنان یکی از نقاط روشن فروش سلاح است

با شهرداری‌ها و مراکز پلیس همکاری می‌کنند. برای نمونه می‌توان به شرکت «شات اسپاتر» اشاره کرد که «فناوری شلیک‌یاب» را ایجاد کرده و می‌تواند صدای شلیک گلوله را ردیابی کند و بلافاصله موضوع را به پلیس اطلاع دهد.

بسیاری از گروه‌های کنترل سلاح برای ریشه‌کن کردن جرایم مسلحانه از طریق راهکارهای قانونی، اقدام به تبلیغ این موضوع و جذب و جمع‌آوری کمک‌های مالی برای آن می‌کنند. در حال حاضر «بررسی سوء پیشینه» یکی از پیشروترین ایده‌ها در زمینه مبارزه با خشونت سلاح است.

افرادی که صاحب سلاح نیستند از اینکه می‌بینند از دید دارندگان سلاح، اسلحه ابزاری برای مقابله با جرایم مسلحانه تلقی می‌شود، تعجب می‌کنند. طرفداران حق مالکیت سلاح اغلب با اشاره به تحقیقاتی که درباره نقش مثبت داشتن سلاح در دفاع شخصی انجام شده، داشتن سلاح را به عنوان یکی از عوامل کاهش جرایم مسلحانه معرفی می‌کنند، اما در حال حاضر واقعیت این است که اجماع بسیار اندکی در خصوص این موارد وجود دارد و در این شرایط صحبت درباره اینکه آیا داشتن سلاح به کاهش آن دسته از جرایم منجر می‌شود یا نه، امر معقول و موجهی نیست.

ایده استفاده از سلاح برای دفاع شخصی ناشی از تصور این موقعیت است که وقتی دو شهروند (که یکی مطیع و دیگری ناقض قانون است) با هم مواجه می‌شوند و فرد قانون شکن سعی می‌کند به دیگری خسارتی وارد آورد، شهروند مطیع از این حق برخوردار است تا در چهارچوب قانون برای حفاظت از خود و علیه فرد خاطی، از سلاح استفاده کند. شکی نیست که این یک تصور نادرست است زیرا در واقعیت و در بیشتر موارد، نزاع بین دو فرد عادی رخ می‌دهد که هیچ‌یک لزوماً نماد یک شهروند خوب یا بد نیستند و ثانیاً استفاده از سلاح زمانی رخ می‌دهد که بین این دو مشاجره و جر و بحث اوج می‌گیرد و یکی از طرفین کنترل خود را از دست می‌دهد. در اینکه شهروندان مطیع قانون برای حفاظت خود و خانواده‌هایشان در برابر جانیانکاران از اسلحه استفاده می‌کنند، شکی نیست اما در عین